

- ایمان بیاورید و اورا پیروی کنید، باشد که هدایت یابید.»

۳- و می فرماید:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون»<sup>(۱)</sup> اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا وی را بر همه ادیان پیروز گرداند اگرچه مشرکان را ناخوش آید.»

۴- و می فرماید:

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم، و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم، ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا، و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون»<sup>(۲)</sup> خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند وعده داده است که آنان را در زمین حکومت بخشد، آنگونه که پیشینیان آنان را نیز حکومت بخشید. و نیز وعده فرموده که آئینی که خود برای آنان برگزیده است را به حاکمیت رساند، و پس از ترسی که بر آنان مستولی شده آرامش و ایمنی به آنان بخشد. در چنین شرطی آنان فقط مرا می پرستند و به من هیچ شرک نمی ورزند، و کسی که پس از این کفر بورزد از فاسقان است.»

۵- و می فرماید:

«ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما»<sup>(۳)</sup> محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست بلکه او فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است خداوند به همه چیز دانا است.»

۶- در مجمع البیان در تفسیر سوره جمعه ذیل آیه شریفه «و آخرین منهم

(۱) توبه (۹) / ۳۳.

(۲) نور (۲۴) / ۵۵.

(۳) احزاب (۳۳) / ۴۰.

لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ - و دیگرانی از آنان که به آنان پیوستند» آمده است:

برخی گفته اند این «دیگران» عجم ها و کسانی هستند که به لغت عرب تکلم نمی کنند، زیرا پیامبر (ص) برای مردمان عصر خویش و همه کسانی که پس از آن می آیند از عرب و عجم مبعوث شده است.

این مطلب از فرزند عمرو سعیدبن جبیر نیز نقل شده است و روایتی به همین مضمون از امام جعفر صادق (ع) رسیده است.

در روایت دیگری آمده که پیامبر اکرم (ص) این آیه را تلاوت فرمود، یکی از اصحاب گفت: اینان چه کسانی هستند؟ آنحضرت دست خود را برکتف سلمان گذاشت و فرمود: اگر علم در ثریا باشد مردانی از اینان بدان دست خواهند یافت.<sup>(۱)</sup>

۷- باز در همان کتاب در تفسیر سوره احزاب آمده است:

در حدیث صحیح از جابر بن عبدالله از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: مثل من در میان انبیاء همانند کسی است که خانه ای را بنا کرده و بسیار زیبا آنرا بکمال رسانده و فقط جای یک خشت در آن خالی است، هر کس در آن خانه وارد می شود و به آن نگاه می کند می گوید چقدر زیباست فقط جای این یک خشت (آجر) خالی است، آنحضرت (ص) فرمود: من جایگاه این خشت هستم که با آمدن من رسالت پایان پذیرفت.

این روایت را مسلم و بخاری نیز در کتابهای صحیح خود آورده اند.<sup>(۲)</sup>

۸- در نهج البلاغه آمده است:

بدانید که این اسلام دین خداست که خداوند آنرا برای خویش برگزیده است...  
آنگاه رشته آنرا ناگسستنی، حلقه های آنرا ناگشودنی، پایه آنرا ویران ناشدنی،

(۱) مجمع البیان ۵ / ۲۸۴.

(۲) مجمع البیان ۴ / ۳۶۲.

ستونهای آنرا زوال ناپذیر، درخت آنرا پابرجا، مدت آنرا پایدار، جویبارهای آنرا پایان ناپذیر و شاخه های آنرا شکست ناپذیر قرار داده است.<sup>(۱)</sup>

درباره در پایان بخش بودن دین اسلام و اینکه حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام آن حرام است تا روز قیامت، روایات بسیار زیاد است که در کتب فریقین - شیعه و سنت - می توان بدان دست یافت، و در اینجا به ذکر یک نمونه از آن اکتفا می کنیم:

۹- در صحیح زراره آمده است که گفت: از امام صادق(ع) در ارتباط با حلال و حرام پرسش کردم فرمود:

حلال محمد برای همیشه حلال است تا روز قیامت و حرام وی برای همیشه حرام است تا روز قیامت. جز آن دین دیگری نیست و شریعت دیگری به غیر آن نمی آید.<sup>(۲)</sup>

[نامه های پیامبر اکرم(ص) به فرمانروایان و پادشاهان]

در تایید آنچه گفته شد، در این قسمت برخی از نامه های پیامبر(ص) به پادشاهان غیر عرب که در خارج از جزیره العرب بودند را بر اساس آنچه محدثان و مورخان نگاشته اند بعنوان تیمن و تبرک یادآور می شویم، و متذکر می گردیم که این نامه ها از کتاب الوثائق السیاسة<sup>(۳)</sup> آورده شده و اگر کسی خواهان تفصیل و

(۱) ثم ان هذا الاسلام دين الله الذي اصطفاه لنفسه... ثم جعله لانقسام لعروته، ولا فك لحلقته، ولانهدام لاساسه، ولا زوال لدعائه، ولا انقلاع لشجرتة، و لانقطاع لمدته، ولا عفاء لشرائعه، و لا جذ لفروعه. نهج البلاغه، فیض/۶۳۸، لحد/۳۱۳، خطبه ۱۹۸.

(۲) حلال محمد حلال ابدا الى يوم القیامة و حرامه حرام ابدا الى يوم القیامة لا یكون غیره ولا یجیب غیره. کافی ۵۸/۱، کتاب فضل علم، باب بدعتها، حدیث ۱۹.

(۳) این کتاب مشتمل بر عهدنامه های پیامبر اکرم(ص) و خلفای راشدین است که توسط محمد حمید

اطلاع از منابع نقل و اسناد آن است، به کتاب مذکور و سایر کتابهایی که در این موضوع تألیف شده مراجعه نماید.

### ۱- نامه آنحضرت به نجاشی پادشاه حبشه:

بسم الله الرحمن الرحيم، از محمد رسول الله به نجاشی: الاصحم (سیاه مایل به زردی - اشاره به رنگ نژاد نجاشی است) پادشاه حبشه.

اسلام بیاور، که من برای تو خداوند، (همان خدائی که جز او خدائی نیست) خداوند ملک قدوس، سلام، مومن، مهیمن<sup>(۱)</sup> را معرفی و تقدیس می کنم، و شهادت می دهم که عیسی بن مریم روح خدا و کلمه اوست که به مریم بتول پاک پاکدا من القا نمود و او به عیسی بن مریم آبستن گردید، پس خداوند او را از روح و دمیدن خود آفرید چنانچه آدم را بدست خویش و از دمیدن خود آفرید. و من تو را بسوی خداوند یکتای بی شریک و پایداری بر اطاعت از دستورات وی فرا می خوانم و از تو می خواهم که از من پیروی کنی و به آنچه بر من فرود آمده ایمان بیاوری که من پیامبر خدا هستم.

و اکنون من پسر عمویم جعفر و تعدادی از مسلمانان که با او هستند را نزد تو فرستادم، پس چون به نزد تو رسیدند از آنان پذیرایی کن و فخر فروشی را فروگذار، که من، تو و سپاهیان را به خداوند دعوت می کنم. اکنون من رسالت خود را ابلاغ و خیرخواهی خود را ابراز نمودم، خیرخواهیم را بپذیر، و درود بر کسی که راه هدایت را پذیرفت.

این نامه در روایت دیگری که با مهر پیامبر (ص) مهر شده است اینگونه آمده

است:

الله گردآوری شده و در سال ۵۱۴۰۳.ق. در بیروت بچاپ رسیده است.

(۱) اینها اسامی وصفات خداوند متعال است که هر یک بیانگر مفهوم ویژه است که در جایگاه خود به آن پرداخته شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم، از محمد فرستاده خدا به نجاشی، بزرگ حبشه،  
 درود بر کسی که راه هدایت را برگزیند،  
 اما بعد، من یکتا خدائی را که خدائی جز او نیست، خداوند ملک قدوس سلام  
 مومن مهیمن را برای تو معرفی و تقدیس میکنم و شهادت میدهم که عیسی بن  
 مریم روح خدا و کلمه<sup>۱</sup> اوست که به مریم بتول پاک، پاکدامن القا فرمود، و او از  
 روح و نفخه الهی به عیسی بن مریم باردار شد، چنانچه خداوند آدم را بادیست  
 خویش آفرید.

ومن ترا به خداوند یگانه که شریکی برای او نیست و بر اطاعت از دستورات او  
 دعوت می کنم، و از تو می خواهم که از من پیروی کنی و به آنچه بر من فرود  
 آمده ایمان بیاوری، زیرا من پیامبر خدا هستم، و ترا و سپاهیان را به خداوند  
 - عزوجل - فرا می خوانم، اکنون من رسالت خود را ابلاغ و خیرخواهی خود را  
 ابراز نمودم، خیرخواهیم را بپذیر، و سلام بر کسی که راه هدایت را برگزیند.  
 محمد رسول الله<sup>(۱)</sup>

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله الى النجاشي: الاصحح ملك الحبشه،  
 سلم انت، فاني احمد اليك الله (الذي لا اله الا هو)، الملك القدوس السلام المومن المهيمن، و اشهد  
 ان عيسى بن مریم روح الله و كلمته، القاها الى مریم البتول الطيبة الحصينة، فحملت بعيسى، فخلقه  
 الله من روحه و نفخه كما خلق آدم بيده و نفخه.

و اني ادعوك الى الله وحده لا شريك له، و الموالة على طاعته، و ان تتبعني و تومن بالذي جاءني،  
 فاني رسول الله.

و قد بعثت اليك ابن عمي جعفرًا و نفرًا معه من المسلمين، فاذا جاءك فاقربهم و دع التجبر، فاني  
 ادعوك و جنودك الى الله، فقد بلغت و نصحت، فاقبلوا نصحي، و السلام على من اتبع الهدى.

وفي رواية اخرى لهذا الكتاب وجدت بخاتم النبي (ص) هكذا:

## ۲- نامه دیگری از آنحضرت (ص) به نجاشی:

بسم الله الرحمن الرحيم،

این نامه ایست از محمد پیامبر به نجاشی اصحاب، بزرگ حبشه، سلام بر کسی که هدایت را برگزیند، و به خدا و رسول او ایمان بیاورد و شهادت دهد که جز خداوند یکتای بی شریک خدایی نیست و همسر و فرزندی نگرفته، و گواهی دهد که محمد، بنده و فرستاده اوست.

و من تورا به دین اسلام دعوت می کنم، زیرا من فرستاده خدا هستم، اسلام بیاور تا در امان باشی و «ای اهل کتاب به کلمه ای که بین ما و شما مشترک است گرد آئید: اینکه جز خدا را نپرستیم و به وی هیچ شرک نوزیم، و برخی از ما برخی دیگر را ارباب خود نگیریم، پس اگر پشت کردند بگو گواه باشید که ما مسلمانیم» و اگر تو این دعوت را نپذیرفتی گناه نصرانیهای قوم تو بعهدۀ<sup>(۱)</sup> توست.

بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله الى النجاشي عظيم الحبشة  
سلم على من اتبع الهدى.

اما بعد، فانی احمد اليك الله الذي لا اله الا هو، الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن. و اشهد ان عيسى بن مريم روح الله و كلمته، القاها الى مريم البتول الطيبة الحصينة، فحملت بعيسى من روحه و نفخه كما خلق ادم بيده.

و انى ادعوك الى الله وحده لا شريك له، و الموالة على طاعته، و ان تتبعنى و توقن بالذى جائنى، فانى رسول الله. و انى ادعوك و جنودك الى الله - عزوجل - و قد بلغت و نصحت فاقبلوا نصيحتى، و السلام على من اتبع الهدى. محمد رسول الله.

الوثائق السياسية/ ۱۰۰-۱۰۳، شماره ۲۱.

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم

هذا كتاب من محمد النبي الى النجاشي الاصحح عظيم الحبشة،

شاید آنحضرت (ص) برای وی دو نامه در دوزمان متفاوت نوشته است.

۳- نامه آنحضرت (ص) به هرقل [مغرب «هراکلیوس»] پادشاه روم:

بسم الله الرحمن الرحيم،

از محمد بنده و فرستاده خدا به هرقل، بزرگ روم،

سلام بر کسی که راه هدایت را پیروی کند،

من تو را به دین اسلام دعوت می کنم، اسلام بیاور تا سلامت یابی، و اسلام

بیاور تا خداوند دوبار به تو پاداش دهد، پس اگر نپذیرفتی گناه «اریسین»

(مسیحیان) به عهده توست و «و ای اهل کتاب بیائید تا بر کلمه ای که بین ما و

شما مشترک است گردآییم: اینکه جز خدای را نپرستیم و چیزی را شریک خدا

نسازیم، و برخی از ما برخی دیگر را بجای خداوند پروردگار خود نگیرد، پس

اگر نپذیرفتند بگوئید گواه باشید که ما مسلمانیم»<sup>(۱)</sup>

سلام علی من اتبع الهدی، و آمن بالله و رسوله، وشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، لم يتخذ

صاحبة ولا ولدا، وان محمدا عبده و رسوله.

و ادعوك بدعاية الاسلام، فاني انا رسوله فاسلم تسلم و «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و

بينكم: الانعبد الا الله و لا نشرك به شيئا، ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله، فان تولوا فقولوا

اشهدوا بانا مسلمون» فان ابیت فعليك اثم النصاری من قومك. الوثائق السياسية/ ۱۰۳، شماره ۲۲.

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد عبدالله و رسوله الى هرقل عظيم الروم،

سلام علی من اتبع الهدی،

اما بعد، فاني ادعوك بدعاية الاسلام، اسلم تسلم، و اسلم يوتك الله اجرک مرتين، فان توليت

فعليك اثم الاریسین. و «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم: الانعبد الا الله و

لانشرك به شيئا، و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله، فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون»

الوثائق السياسية / ۱۰۹، شماره ۲۶.

## ۴- نامه دیگری از آنحضرت (ص) به قیصر روم:

از محمد رسول خدا به صاحب روم:

من ترا به اسلام دعوت می کنم، اگر پذیرفتی، برای توست آنچه برای مسلمانان است و علیه توست آنچه علیه آنانست. پس اگر در اسلام داخل نشدی، جزیه پرداز، همانا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «با اهل کتاب، آنان که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده و آنچه را خدا و رسول وی حرام شمرده، حرام نمی شمردند و به دین حق گردن نمی نهند، بجنگید تا بدست خویش با خواری جزیه پردازند، و اگر اسلام نمی آوری همانا مانع اسلام آوردن یا جزیه دادن مردم کشاورز خود نشو.»<sup>(۱)</sup>

## ۵- درنامه آنحضرت (ص) به «مقوقس» بزرگ قبط آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم،

از محمد بنده و فرستاده خدا به مقوقس، بزرگ قبط،

سلام بر کسی که هدایت را پیروی کند، اما بعد: من تورا به دین اسلام دعوت می کنم، اسلام بیاور تا در سلامت باشی و خدا پاداش تورا در دو جایگاه عطا کند، پس اگر نپذیرفتی گناه قبطیان بر توست. خدا فرموده است: به آنان بگو: «ای اهل کتاب بیائید تا بر کلمه ای که بین ما و شما مشترک است گردآییم: اینکه جز خدای را نپرستیم، و چیزی را شریک وی ندانیم، و اینکه برخی از ما

(۱) من محمد رسول الله الی صاحب الروم.

انی ادعوك الی الاسلام، فان اسلمت فلک ماللمسلمین و علیک ما علیهم، فان لم تدخل فی الاسلام فاعط الجزية، فان الله - بتارک و تعالی - یقول: «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر، ولا یحرمون ما حرم الله ورسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزية عن ید و هم صاغرون.» و الا فلاتعمل بین الفلاحین و بین الاسلام ان یدخلوا فیہ، او یعطوا الجزية» الوثائق السیاسية/۱۱۰، شماره ۲۷.



برخی دیگر را پروردگار خود نگیرد، پس اگر نپذیرفتند بگوئید گواه باشید که  
ما مسلمانیم»<sup>(۱)</sup>

۶- نامه دیگری از آنحضرت (ص) به «مقوقس» اینگونه روایت شده:

از محمد فرستاده خدا به صاحب مصر و اسکندریه

اما بعد: همانا خداوند مرا بعنوان پیامبر فرستاد و قرآن بر من فرود آورد، و مرا به  
پوشش پذیری و انذار و جنگ با کفار تا آنگاه که آنها، و مردم به دین من در آیند،  
دستور فرمود. و اکنون تورا به اقرار به یگانگی خداوند دعوت می کنم، اگر انجام  
دادی سعادت مند شده ای و اگر انکار کردی راه شقاوت را برگزیده ای،  
والسلام.<sup>(۲)</sup>

۷- نامه آنحضرت (ص) به ابرویز (خسرو پرویز) پادشاه فارس:

بسم الله الرحمن الرحيم،

از محمد رسول خدا به کسری، بزرگ فارس،

سلام بر کسی که هدایت را پیروی کند، و به خدا و رسول وی ایمان بیاورد، و

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد عبدالله و رسوله الى المقوقس عظيم القبط،

سلام على من اتبع الهدى،

اما بعد، فانی ادعوك بدعاية الاسلام، اسلم تسلّم يوتك الله اجرک مرتين، فان توليت فعليک اثم  
القبط: «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينکم: الانعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و  
لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله، فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون.» الوثائق السياسية/  
۱۳۵، شماره ۴۹.

(۲) من محمد رسول الله الى صاحب مصر و الاسكندرية:

اما بعد، فان الله - تعالى - ارسلنى رسولا و انزل على قرآنا، و امرنى بالاعذار و الانذار و مقاتلة الكفار  
حتى يدينوا بدينى، و يدخل الناس فى ملتى، و قد دعوتك الى الاقرار بوحدانية الله - تعالى - فان  
فعلت سعدت و ان ابیت شقيت، والسلام» الوثائق السياسية/۱۳۸، شماره ۵۱.

شهادت دهد که او خداوند یکتاست و شریکی برای او نیست و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست.

من تورا به دین خداوند فرا می خوانم، زیرا من پیام آور خدا بر تمام مردم هستم تا همه زندگان را انداز نموده و حجت را بر کفار اقامه نمایم، پس اسلام بیاور تا سلامت یابی، اگر روی بگردانی گناه مجوس برعهده توست.<sup>(۱)</sup>

۸- نامه دیگری از آنحضرت به کسری:

از محمد فرستاده خدا به کسری بزرگ فارس، اگر اسلام بیاوری بسلامت خواهی بود، پس هر کس که شهادت ما را بگوید و روبه قبله ما بیاورد و ذبیحه ما را بخورد در امان خدا و رسول اوست.<sup>(۲)</sup>

۹- نامه آنحضرت (ص) به هرمزان کارگزار کسری [در خوزستان که پس از فتح اسلام او را به مدینه بردند]

از محمد فرستاده خدا به هرمزان:

من تورا به اسلام دعوت می کنم، اسلام بیاور تا سلامت یابی.<sup>(۳)</sup>

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله الى كسرى عظيم فارس

سلام على من اتبع الهدى، و آمن بالله و رسوله، و شهد ان لا اله الا اله وحده لا شريك له و ان محمدا عبده و رسوله.

و ادعوك بدعاء الله فاني رسول الله الى الناس كافة فانذر من كان حيا و يحق القول على الكافرين، فاسلم تسلم، فان ابیت فان اثم المجوس عليك، الوثائق السياسية/۱۴۰، شماره ۵۳،

(۲) من محمد رسول الله الى كسرى عظيم فارس، ان اسلم تسلم، من شهد شهادتنا و استقبال قبلتنا و اكل ذبيحتنا فله ذمة الله و ذمة رسوله. الوثائق السياسية/۱۴۳، شماره ۵۳.

(۳) من محمد رسول الله (ص) الى الهرمزان:

اني ادعوك الى الاسلام اسلم تسلم، الوثائق السياسية/۱۴۴، شماره ۵۴.

و مکاتبات دیگری در این زمینه که می توان به کتب مربوطه مراجعه نمود، و پیش از این در بحث قوه مجریه [جلد سوم فارسی] به نقل از کتانی، اسامی کسانی که از سوی آنحضرت (ص) برای رساندن این نامه ها فرستاده شدند را یادآور شدیم.

### جهت چهارم: دعوت اسلام به حق و عدالت:

خداوند تبارک و تعالی فطرت حضرت آدم و ذریه وی را بر اساس حق و عدل قرار داد و در وجود آنان عقل را به ودیعه نهاد که آن نیز به خوبی این دو حکم می کند، اما نفس اماره بالسوء و شیاطین جن و انس همواره بر انحراف انسان از این فطرت پاک پافشاری می کنند، بهمین جهت انسانها به عقول جداگانه نیازمند بودند که خداوند پیامبران را بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا فطرت پاک انسانها را به آنان یادآور شوند و گنجینه های خرد آنان را شکوفا سازند: [در این رابطه به آیات ذیل توجه فرمائید:]

۱- خداوند - متعال - می فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط<sup>(۱)</sup> ما فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان فرود آوردیم تا مردم به قسط قیام کنند.

۲- و می فرماید: ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنکر و البغی يعظکم لعلکم تذكرون<sup>(۲)</sup> همانا خداوند به عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشاء و منکر و تجاوز باز می دارد، و شما را پند می دهد شاید پند پذیرید.

(۱) حدید (۵۷) / ۲۵.

(۲) نحل (۱۶) / ۹۰.

۳- و میفرماید: قل امر ربی بالقسط<sup>(۱)</sup> بگو پروردگارم به قسط فرمان داده است.  
 ۴- در آیه ای دیگر خداوند متعال پیامبر (ص) را به دعوت به حق و تبلیغ آن فرمان می دهد و می فرماید: ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن، ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیلہ و هو اعلم بالمهتدین<sup>(۲)</sup> با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت فرابخوان و به نیکوترین شکل با آنان مجادله کن همانا خدای تو داناتر است به آنکه از راه وی منحرف گردید و آنکه بدان هدایت یافت.

در این آیه شریفه سه درجه و مرتبه برای دعوت مردم به حسب اختلاف آنان از نظر تعقل و فرمانبری ذکر شده است.

۵- و می فرماید: فلذلک فادع و استقم كما امرت و لاتتبع اھوائهم<sup>(۳)</sup> به همین جهت پس دعوت کن و استقامت نما همانگونه که بدان مامور شده ای و از خواهشهای آنها پیروی مکن.

۶- و می فرماید: یاایھا الرسول بلّغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و اللہ یعصمک من الناس<sup>(۴)</sup> ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت بر تو فرود آمده، ابلاغ نما، و اگر ابلاغ نکنی رسالت او را ابلاغ نکرده ای و خداوند ترا از مردم در پناه می دارد.

و آنحضرت (ص) تمام شب و روز و همه توان و طاقت خویش را در دعوت امت و هدایت آنان بکار گرفت تا آنجا که می خواست جان خویش را نیز در این راه فدا کند، و فرستادگان و سفراء خویش را به سوی قبایل و پادشاهان فرستاد تا آنان را

(۱) اعراف (۷) / ۲۹.

(۲) نحل (۱۶) / ۱۲۵.

(۳) شوری (۴۲) / ۱۵.

(۴) مائده (۵) / ۶۷.

به اسلام دعوت کند و چنانچه روشن است امت اسلامی نیز در دعوت و گسترش عدل و اقامه معروف از آنحضرت پیروی نمودند.

۷- در قرآن کریم آمده است: قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني، و سبحان الله و ما انا من المشركين<sup>(۱)</sup> بگو این راه من است، من و کسانی که از من پیروی کردند بخدا دعوت می کنیم از روی بصیرت، و منزه است خدا، و من از مشرکان نیستم.

و آیات و روایات از طرق فریقین در وجوب دعوت به حق و ارشاد افراد نادان و امر بمعروف و نهی از منکر و اقامه حق و عدل بسیار زیاد و فراتر از شمارش است. پیش از این نیز در بحث بقضا آیات و روایات بسیار که دلالت بر اهتمام اسلام به قسط و عدل و اقامه حق داشت را یادآور شدیم.

پس برای هیچ مسلمانی جایز نیست که در مقابل طاغیان و ستمگران سکوت کند، بلکه جهادی که عقل و شرع بر ضرورت آن تاکید دارند چیزی جز دفاع از حق و عدالت نیست چنانچه بحث تفصیلی آن در فصل جهاد [جلد اول فارسی] گذشت.

پس آیه شریفه «و مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها، و اجعل لنا من لدنک ولیاً، و اجعل لنا من لدنک نصیراً»<sup>(۲)</sup> شمارا چه می شود که در راه خدا و در راه مردان و زنان و فرزندان مستضعف که می گویند: پروردگارا ما را از این کشوری که مردمش ستمکارند رهائی بخش و از جانب خویش برای ما رهبری پدید آور و از جانب خویش برای ما یآوری قرار ده، مشعر است بر اینکه لزوم قتال در راه گسترش توحید و دفاع از مستضعفین امری است که عقل و فطرت بر ضرورت آن

(۱) یوسف (۱۲) / ۱۰۸.

(۲) نساء (۴) / ۷۵.

حکم می کند، و خداوند سبحان هم بر ترک آن، آنان را مورد توبیخ قرار داده است. از سوی دیگر بر بسیاری از مردم خواهشهای نفسانی غالب می شود، و ستم پیشگی و تجاوزگری جزء عادت و خلق و خوی آنان می گردد که برای وادار کردن آنان به حق و عدالت راهی جز شمشیر و توسل به زور باقی نمی ماند، چنانچه پیامبر خدا (ص) آنگونه که در کافی به نقل از امام صادق (ع) آمده است می فرماید:

همه نیکی ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را جز شمشیر پابرجا نمی دارد<sup>(۱)</sup>.

و از امیر المومنین (ع) روایت شده که فرمود:

خداوند جهاد را واجب فرمود، و آنرا گرامی داشت و آنرا یاری خود و یاری دهنده خود قرار داد، و بخدا سوگند دنیا و دین جز با آن اصلاح نمی گردد<sup>(۲)</sup>.

و جهاد با کفار هم جز بعد از دعوت آنان به اسلام و التزام به دستورات آن جایز نیست، و اگر نپذیرفتند در آنصورت است که می توان با آنان به جهاد پرداخت.

در کافی به سندی که اشکالی در آن نیست از امیر المومنین (ع) روایت شده که فرمود:

پیامبر خدا (ص) مرا به یمن فرستاد و فرمود: ای علی هرگز با کسی جنگ مکن مگر اینکه در ابتدا او را به اسلام دعوت کنی، و به خدا سوگند اگر خداوند بوسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر

(۱) الخیر کلّه فی السیف و تحت ظلّ السیف و لایقیم الناس الا بالسیف. وسائل ۵/۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۱، حدیث ۱.

(۲) ان الله فرض الجهاد و عظمه و جعله نصره و ناصره، والله ماصلحت دنیا و لادین الا به. وسائل ۹/۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۱، حدیث ۱۵.

آن طلوع و غروب می کند<sup>(۱)</sup>.

و التزام به دین برای انسانها امری است اختیاری و الزامی در آن نیست و اکثر مردم نیز طبق فطرت خود در صورتی که دین صحیح به آنها ارائه شود طالب و علاقمند به دین هستند، ولی اگر قدرتهای کافر و ستمگری - که مال خدا را مال خود و بندگان خدا را بردگان خود می پندارند - از ارائه دین به مردم ممانعت کنند. چنانچه در غالب کشورها مشاهده می گردد، در این صورت از باب لطف [برای رساندن حقایق به گوش مردم] واجب است با این قدرتهای ستمگر به جنگ برخاست و شر آنها را از سر مردم کوتاه نمود.

خداوند متعال می فرماید: و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله<sup>(۲)</sup> با آنان جنگ کنید تا فتنه از میان برداشته شود و همه دین برای خدا گردد. و از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمود:

من مأمور هستم با مردم بجنگم تا بگویند: لا اله الا الله. آنگاه که آنها گفتند، از طرف من جان و مالشان محترم خواهد بود مگر بحق، و حساب آنان با خداوند - عزوجل - است<sup>(۳)</sup>.

خلاصه کلام اینکه: جهاد در اسلام برای دفاع از توحید - که حق خداوند بر بندگان خویش است - و دفاع از حقوق مستضعفین است نه برای سلطه بر کشورها و سایر بندگان خداوند که این شیوه استعمارگران و مفسدین است.

(۱) بعثنی رسول الله (ص) الی الیمن فقال: یا علی، لاتقاتلن احدا حتی تدعوه الی الاسلام، و ایم الله لان یهدی الله - عزوجل - علی یدیک رجلا خیر لک مما طلعت علیه الشمس و غربت... وسائل ۳۰ / ۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۱۰، حدیث ۱.

(۲) انفال (۸) / ۳۹.

(۳) امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا: لا اله الا الله، فاذا قالوها منعوا منی دمانهم و اموالهم الا بحقها، و حسابهم علی الله - عزوجل - سنن ابی داود ۴۱ / ۲، کتاب جهاد، باب علی ما یقاتل المشرکون.

از امام باقر(ع) در بیان حدود جهاد آمده است:

نخستین حد آن دعوت به اطاعت خداوند از اطاعت بندگان و به عبادت خداوند از عبادت بندگان، و به ولایت خداوند از ولایت بندگان است... و جهاد برای اطاعت بنده ای از بنده دیگری نظیر خود وی نیست<sup>(۱)</sup>.

در هر صورت آنچه بر امت اسلامی با همه فرقه های مختلف آن واجب است اینست که خط ترسیمی از سوی پیامبر اکرم(ص) را ادامه دهند و اهداف بلند و ارزشمند او را پیگیری کنند و همه نیرو و امکانات جسمی، مالی، سیاسی و فرهنگی خود را در گسترش توحید و عدالت و رفع ظلم و فساد بکار گیرند، و با تمام امکانات تلاش کنند تا زمینه اجرای دستورات اسلام را فراهم آورند و مجاهدین فی سبیل الله و مدافعین از حقوق محرومان را در همه کشورهای اسلامی از دور و نزدیک یاری رسانند، اگرچه در رنگ و پوست و زبان و کشور با هم متفاوت باشند، زیرا مسلمانان همه یک امت هستند و این فرقه های مادی ظاهری بین آنان جدائی نمی اندازد، چنانچه بحث آن در محور بعد خواهد آمد<sup>(۲)</sup>.

### جهت پنجم: امت واحده بودن مسلمانان و عدم برتری هر یک از آنان بر دیگری جز به تقوی:

عناصری که مفهوم یک امت با آن تحقق خارجی می یابد اشتراک در سرزمین، قومیت، زبان، رنگ، منافع و مصالح مشترک و فکر و عقیده است، که بی تردید

(۱) و اول ذلك الدعاء الى طاعة الله من طاعة العباد، و الى عبادة الله من عبادة العباد، و الى ولاية الله من ولاية العباد... وليس الدعاء من طاعة عبد الى طاعة عبد مثله. وسائل ۷/۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۱، حدیث ۸.

(۲) در اینکه جهاد ابتدایی در اسلام نیز خود یک جهاد دفاعی است و در واقع دفاع از فطرت و حقیقت است، مطالبی در جلدهای پیشین آمده بود که در این مبحث نیز قابل استفاده است. (مقرر)



همه اینها در ایجاد یک نوع رابطه بین افراد و چگونگی زندگی و تربیت آنان تاثیر بسزایی دارد، زیرا انسان از شئون مادی زندگی و خواص و آثار آن خواه ناخواه برکنار نیست.

ولی برای هرکس روشن است که انسانیت انسان و کرامت وی به بدن و مزاج و قوای مادی او نیست، بلکه به عقل و فکر و نظریات اوست، و آنچه بر قلب و روح او نیز حاکم است همان فکر و ایمان اوست که از همه چیز برای وی ارزشمندتر است بطوریکه حاضر است در راه آن جان خود را نیز از دست بدهد.

اگر فرض کنیم افرادی در یک کشوری بدنیا آمده اند و در همه جهات مادی با هم مشترک هستند ولی فکر و عقیده آنها با یکدیگر متفاوت باشد مشاهده می کنیم که هر روز با یکدیگر جنگ و درگیری و مشاجره دارند و بین آنان الفت و محبت ایجاد نمی شود.

ولی برعکس اگر ما دو انسان را در نظر بگیریم که از دو کشور هستند و از نظر ویژگیهای مادی یکسان کاملاً با هم متفاوتند ولی دارای ویژگیهای روحی و فکر و عقیده می باشند مشاهده می کنیم که در کمال صمیمیت یکدیگر را دوست دارند، گویا هر دو یک روح واحد در دو جسد می باشند. و اصولاً برای انسان از سایر حیوانات امتیازی جز به روح و فکر و عقاید او نیست.

پس آنچه وحدت اساسی بین انسانها بوجود می آورد و می تواند وحدت واقعی آنان را تضمین کند، همان وحدت فکری و ایمانی آنان است نه وحدت در وطن و نژاد.

بهمین جهت مشاهده می کنیم که اسلام بین مسلمانان وحدت اسلامی برقرار می کند و آنان را بعنوان اینکه مومن هستند برادر یکدیگر قلمداد می نماید، و برای امتیازات مادی از قبیل جنسیت، زبان و رنگ در برابر ارزشهای روحی و فضایل

ایمانی و تقوی ارزشی قائل نمی شود<sup>(۱)</sup>.

[در این ارتباط به آیات و روایات ذیل توجه فرمائید:]

۱- خداوند متعال می فرماید: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا، ان اکرمکم عند الله اتقاکم<sup>(۲)</sup> ای مردم ما شما را از یک نر و ماده پدید آوردیم و شما را شعبه ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوی ترین شماست.

۲- و می فرماید: انما المؤمنون اخوة<sup>(۳)</sup> مومنان با یکدیگر برادرند.

۳- و می فرماید: فان تابوا و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة فاخوانکم فی الدین<sup>(۴)</sup> پس اگر توبه کردند و نماز بیاداشته و زکات پرداختند، برادران شما در دین هستند.

۴- و می فرماید: ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون<sup>(۵)</sup> همانا این امت شماست امت واحده و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید.

۵- و می فرماید: ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون<sup>(۶)</sup> همانا این امت شماست، امت واحده و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا داشته باشید.

بنابر اینکه امت در این دو آیه شریفه به معنی جماعت باشد نه به معنی دین

(۱) اسلام دینی است جهانی برای همه مردم و همه مسلمانان یک امت هستند در برابر کفر جهانی و این کشورها و مرزها یک چیزهای اعتباری است و لذا باید از حق و حقیقت دفاع کرد، از اسلام و توحید دفاع کرد، اگر در مواردی یک عده معدود مانع از رسیدن احکام خدا به مردم و باعث پیشگیری از اجرای احکام الهی شدند باید با آنها مقابله کرد، اگر انسانها در افکار و عقاید باهم پیوند داشته باشند این ارتباط به مراتب قوی تر از ارتباطهای ظاهری است. الف - م، جلسه ۱۶۷ درس.

(۲) حجرات (۴۹) / ۱۳.

(۳) حجرات (۴۹) / ۱۰.

(۴) توبه (۹) / ۱۱.

(۵) انبیاء (۲۱) / ۹۲.

(۶) مومنین (۲۳) / ۵۲.

و ملت چنانچه برخی گفته اند<sup>(۱)</sup>.

پس همه مسلمانان یک امت هستند، پروردگارشان یکی، دینشان یکی، پیامبرشان یکی، کتابشان یکی است، و هیچ امتیازی برای هیچ یک از آنان مگر بخاطر تقوی و تسلیم در برابر اوامر خداوند نیست، اوامری که عمل بآنها موجب کمال روح و ترقی و کرامت و شرافت انسان می باشد.

۶- از پیامبر خدا(ص) منقول است که فرمود:

همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، آگاه باشید که فضیلتی برای عرب بر عجم و عجم بر عرب و سیاه بر قرمز و قرمز بر سیاه نیست مگر بر پایه<sup>(۲)</sup> تقوی.

(۱) البته اگر به معنی دین و ملت هم باشد به این معنی [جماعت] هم به التزام دلالت دارد. الف - م، جلسه ۱۶۷ درس.

(۲) ایها الناس، الا ان ریکم واحد، و ان اباکم واحد، الا لافضل لعربی علی عجمی، و لاعجمی علی عربی، و لا لاسود علی احمر، و لا لاحمر علی اسود الا بالتقوی. «تفسیر قرطبی ۳۴۲/۱۶، ذیل آیه شریفه ۱۳ از سوره حجرات.

ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم مضمون این روایت را درج کردیم در آن زمان من با استناد به همین حدیث تفسیر قرطبی این مضمون را برای درج در قانون اساسی پیشنهاد دادم. الف - م، جلسه ۱۶۷ درس. متذکر میگردم که حضرت استاد مدظله ریاست مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی را بعهدہ داشتند و مضمون ذکر شده در اصل نوزدهم و بیستم و یکصد و دوازدهم قانون اساسی بدین شکل آمده است:

اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل یکصد و دوازدهم: رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور

۷- باز از آنحضرت منقول است که در حجة الوداع فرمود:

ای مردم همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، همه شما از آدم و آدم از خاک است. همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوی ترین شماست. و برای عرب بر عجم فضیلتی نیست مگر با تقوی، هان آیا من رساندم؟ گفتند: بلی، فرمود: پس حاضران به غائبان برسانند.<sup>(۱)</sup>

۸- از امام باقر(ع) منقول است که فرمود:

پیامبر خدا(ص) روز فتح مکه بر منبر تشریف برده و فرمودند: ای مردم همانا خداوند در میان شما تکبر جاهلیت و تفاخر به پدران را از میان برد. همانا شما از آدم(ع) هستید و آدم از خاک است، همانا بهترین بندگان کسی است که پروای الهی داشته باشد. عرب بودن در حکم پدر نیست [که انسان بآن تفاخر کند] بلکه این تنها زبانی است که با آن سخن گفته می شود. پس کسی که بنحاطر عرب بودن از کارهای نیک خویش بکاهد حسب و نسب بر وی چیزی را نمی افزاید. همانا هر خونی که در جاهلیت ریخته شده و هرکینه ای که وجود داشته از هم اکنون تا روز قیامت در زیر گامهای من است.<sup>(۲)</sup>

۹- از سخنرانی آنحضرت در مسجد خیف نقل شده که فرمود:

مساوی هستند. (مقرر)

(۱) ایها الناس، ان ربکم واحد، و ان اباکم واحد، کلکم لآدم، و آدم من تراب «ان اکرمکم عند الله اتقاکم» و لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی، الا هل بلغت؟ قالو: نعم، قال: فلیبلغ الشاهد الغائب. «تحف العقول/۳۴».

(۲) صعد رسول الله(ص) المنبر يوم فتح مكة فقال: ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تفاخرها بأبائها. الا انکم من آدم(ع) و آدم من طین، الا ان خیر عباد الله عبد اتقاه. ان العربیة لیست باب والد، ولكنها لسان ناطق، فمن قصر به عمله لم یبلغه حسبه. الا ان کل دم کان فی الجاهلیة او أحنه - والاحنة: الشحنة - فهي تحت قدمی هذه الی يوم القيامة. «کافی/۸/۲۴۶»، (روضه) حدیث ۳۴۲.

مسلمانان با یکدیگر برادرند، ارزش خونهایشان برابر هم است و کوچکترین آنان  
 ذمه دیگران را بعهدہ می گیرد<sup>(۱)</sup>.

۱۰- در روایت دیگری از آنحضرت (ص) آمده است:

مومنان خونهایشان در سطح هم است، و آنان در برابر دیگران یکپارچه و  
 یکدست اند، و کوچکترین آنان ذمه دیگران را به عهده می گیرد<sup>(۲)</sup>.

۱۱- باز از آنحضرت (ص) در حجة الوداع روایت شده است:

ای مردم سخن مرا بشنوید و به گوش جان بسپارید، بدانید که هر مسلمان برادر  
 مسلمان دیگر است و مسلمانان با هم برادرند و برای هیچکس چیزی از برادرش  
 روا نیست مگر آنچه را که با رضا و رغبت خود به وی داده است، پس هرگز به  
 جمع خودتان ستم روا مدارید، بارخدا یا آیا من ابلاغ کردم؟<sup>(۳)</sup>.

۱۲- باز از آنحضرت (ص) روایت است:

همانا خداوند متعال اسلام را دین خود و کلمه اخلاص را زینت آن قرار داده  
 است، پس کسی که روبه قبله ما بیاورد و شهادت ما را گواهی دهد و ذبیحه ما را  
 حلال بشمرد، او مسلمان است برای اوست آنچه برای ما است و علیه اوست

(۱) المسلمون اخوة، تتكافئ دمائهم و يسعى بذمتهم ادناهم. کافی ۴۰۳/۱، کتاب الحجة، باب ما امر  
 النبي بالنصيحة لائمة المسلمين، حديث ۱.

(۲) المومنون اخوة تتكافئ دمائهم، و هم يد علی من سواهم، يسعى بذمتهم ادناهم. کافی ۴۰۴/۱، کتاب  
 الحجة، باب ما امر النبي بالنصيحة لائمة المسلمين، حديث ۲. معنای به ذمه گرفتن کوچکترین آنان  
 اینستکه: اگر یک فرد از مسلمانان به فرد یا گروهی از اهل کتاب یا دیگران که در حال جنگ با  
 اسلام هستند امان و پناه داد امان او محترم است و کسی حق تعرض به وی را ندارد. (مقرر)

(۳) ایها الناس، اسمعوا قولي و اعقلوه، تعلمن ان كل مسلم اخ للمسلم، و ان المسلمین اخوة فلا یحل  
 لامری من اخیه الا ما اعطاه عن طیب نفس منه، فلا تظلمن انفسکم، اللهم هل بلغت؟ سیره ابن

آنچه علیه ما است<sup>(۱)</sup>.

۱۳- از امیر المومنین (ع) روایت شده که فرمود:

کسی که به قبله ما روی آورد، و ذبیحه ما را بخورد، و به پیامبر ما ایمان بیاورد و شهادت ما را بگوید، در دین ما داخل شده است و ما حکم قرآن و حدود اسلام را بر وی جاری می‌کنیم، برای هیچ کس بر دیگری برتری نیست مگر به تقوی، همانا برای پرهیزکاران نزد خداوند بهترین ثواب و نیکوترین بازگشتگاه است<sup>(۲)</sup>.

۱۴- از پیامبر خدا (ص) نقل شده که فرمود:

مثل مومنان در دوستی و مهربانی و انعطافشان نسبت به هم همانند یک پیکر است که اگر در یک عضو از بدن دردی ایجاد شود سایر قسمت‌های بدن نیز با شب بیداری و تب وی را همراهی می‌کنند<sup>(۳)</sup>.

(۱) انالله - تعالی - جعل الاسلام دینه، و جعل کلمة الاخلاص حسنا له، فمن استقبل قبلتنا، و شهد شهادتنا، و اکل ذبیحتنا فهو مسلم، له مالنا و علیه ما علينا. بحار الانوار ۶۵/۲۸۸ (چاپ ایران ۶۸/۲۸۸) کتاب ایمان و کفر، باب ۲۴، حدیث ۴۷.

(۲) من استقبل قبلتنا، و اکل ذبیحتنا، و امن بنبينا، و شهد شهادتنا دخل فی دیننا، اجرینا علیه حکم القرآن، و حدود الاسلام، لیس لاحد علی احد فضل الا بالتقوی. الا و ان للمتقین عند الله افضل الثواب، و احسن الجزاء و المآب. بحار الانوار ۶۵/۲۹۲ (چاپ ایران ۶۸/۲۹۲)، کتاب ایمان و کفر، باب ۲۴، حدیث ۵۲.

(۳) مثل المومنین فی توادهم و تعاطفهم و تراحمهم مثل الجسد، اذا اشتكى منه شیءٌ تداعی له سائر الجسد بالسهر و الحمی. مسند احمد ۴/۲۷۰.

مضمون همین روایت را نیز سعدی در شعر خود آورده است:

بني آدم اعضای یک پیکرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی ببرد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

۱۵- در صحیححه ابی بصیر آمده است که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود:

مومن برادر مومن است و همانند یک پیکر اگر در عضوی دردی ایجاد شود در سایر قسمت‌های پیکر نیز اثر و ناراحتی آن مشاهده می شود، و ارواح مومنان از یک روح است، و روح مومن به روح خدا پیوسته تر است از پیوستگی نور خورشید به خورشید.<sup>(۱)</sup>

۱۶- در خبر مفضل بن عمر آمده است که امام صادق(ع) می فرمود:

مومنان برادرند، فرزندان یک پدر و یک مادر اگر یک رگ از آنان آسیب ببینند خواب از چشم دیگران روده می شود.<sup>(۲)</sup>

۱۷- در خبر علی بن عقبه از امام صادق(ع) آمده است:

مومن برادر مومن است، چشم او و راهنمای اوست، به وی خیانت نمی کند به او ستم روا نمی دارد، فریبش نمی دهد، و وعده ای به او نمی دهد که خلاف آنرا انجام دهد.<sup>(۳)</sup>

۱۸- در روایت فضیل بن یسار آمده است که گفت از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نمی کند او را خوار نمی نماید، غیبت او را

(۱) المومن اخو المومن كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئا منه وجد الم ذلك في سائر جسده، و ارواحهما من روح واحدة. و ان روح المومن لأشد اتصالا بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها. کافی ۱۶۶/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوة المومنين... حدیث ۴.

(۲) انما المومنون اخوة بنو اب و ام و اذا ضرب علی رجل منهم عرق سهرله الآخرون، کافی ۱۶۵/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوة المومنين... حدیث ۱.

(۳) المومن اخو المومن، عينه و دليله، لا يخونه و لا يظلمه و لا يغشه و لا يعده عدة فيخلفه، کافی ۱۶۶/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوة المومنين... حدیث ۳.

نمی کند، خیانت به او نمی کند و او را از حقوق خویش محروم نمی نماید<sup>(۱)</sup>.

۱۹- درخبر حارث بن مغیره آمده است. که امام صادق(ع) فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است او چشم او و آینه او و راهنمای اوست، به وی خیانت نمی کند، فریبش نمی دهد، به او ستم روا نمی دارد، به او دروغ نمی گوید و غیبتش را نمی کند<sup>(۲)</sup>.

۲۰- از امام صادق منقول است:

مسلمان برادر مسلمان است. وحق مسلمان بر برادر مسلمانش اینست که: سیر نخورد و برادرش گرسنه باشد، آب ننوشد و برادرش تشنه باشد، لباس نپوشد و برادرش برهنه باشد. پس چقدر عظیم است حق مسلمان بر برادر مسلمانش!<sup>(۳)</sup>

۲۱- از امام صادق(ع) روایت است که فرمود: پیامبر خدا(ص) می فرمود:

کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست، و کسی که بشنود فریاد مردی را که می گوید: ای مسلمانان و پاسخ او را ندهد مسلمان نیست<sup>(۴)</sup>.

۲۲- در خبر ابی المعزا از امام صادق(ع) آمده است:

بر مسلمانان لازم است در ایجاد ارتباط و یاری رساندن به یکدیگر و مهربانی با

(۱) المسلم اخو المسلم، لا یظلمه و لا یخذله و لا یغتابه و لا یخونه و لا یحرمه، کافی ۱۶۷/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوة المومنین... حدیث ۱۱.

(۲) المسلم اخو المسلم، هو عینه و مرآته، و دلیله، و لا یخونه و لا یخدعه و لا یظلمه و لا یکتبه و لا یغتابه، کافی ۱۶۶/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوة المومنین... حدیث ۵.

(۳) المسلم اخو المسلم و حق المسلم علی اخیه المسلم ان لا یسب و لا یجوعه و لا یروى و یعطش اخوه، و لا یکتسی و یعری اخوه، فما اعظم حق المسلم علی اخیه المسلم، سفینة البحار ۱۲/۱.

(۴) من اصبح لایهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم، و من سمع رجلا ینادی یاللمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم، کافی ۱۶۴/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اهتمام به امور مسلمین... حدیث ۵.



هم و همراهی با نیازمندان، و انعطاف برخی با برخی دیگر، نهایت کوشش را داشته باشند، تا اینکه مصداق فرمایش خداوند متعال باشید که فرمود: «رحماء بینهم» با یکدیگر مهربانی کنید، غمخوار کارهای کسیکه از شما از دست می‌رود باشید، چنانچه جماعت انصار در زمان رسول خدا (ص) اینگونه بودند<sup>(۱)</sup>.

و روایات بسیار زیاد دیگری که از طرق فریقین در این زمینه وارد شده است. و من سفارش می‌کنم که در این باب به داستانها و نکات برجسته عملی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده مراجعه فرمائید، داستانهایی که از روح برادری و مواسات بین طبقات مختلف مسلمانان و الغاء امتیازات مادی و نژادی که نوعا فرزندان دنیا به آن مبتلا هستند، حکایت می‌کند.

و از این موارد است روایتهایی که در مورد ماجراهای زیر وارد شده است:

× داستان تزویج زینب بنت جحش توسط پیامبر اکرم (ص) برای زید بن حارثه.

× داستان تزویج ضباعة دختر زبیر بن عبد المطلب توسط آنحضرت (ص) برای

مقداد.

× داستان خواستگاری آنحضرت «ذلفاء» دختر زیاد بن لبید - که از بزرگان

انصار بود - را برای جویبر انسان سیاه پوست فقیر.

× داستان خواستگاری محمد بن علی بن حسین (امام باقر (ع)) دختر یکی از

اشراف را برای منجج بن رباح.

× داستان ازدواج امام زین العابدین (ع) با کنیزی که خود آنحضرت او را آزاد

کرده بود.

(۱) یحق علی المسلمین الاجتهاد فی التواصل و التعاون علی التعاطف و المواساة لاهل الحاجة و تعاطف

بعضهم علی بعض حتی تکنونوا کما امرکم الله - عزوجل - : رحماء بینهم . متراحمین، مغتمین

لما غاب عنکم من امرهم علی ما مضی علیه معشر الانصار علی عهد رسول الله (ص). کافی ۱۷۵/۲،

کتاب ایمان و کفر، باب تراحم و تعاطف، حدیث ۴.

و داستانهای دیگری از این قبیل که در فروع کافی آمده است و می توان روایات آنرا مورد ملاحظه قرار داد، بویژه داستان جویبر که جدا داستان بسیار شگفت انگیزی است<sup>(۱)</sup>.

### خلاصه کلام و نتیجه:

خلاصه کلام اینکه: مسلمانان بر پایه فطرت و وظیفه اسلامی خود همه یک امت هستند، دینشان یکی خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. پس واجب است بر همه شهرها و کشورهای آنها تنها یک حکم و یک قانون حکومت کند، و تنها یک سیاست آنها را اداره کند، چنانچه در صدر اسلام اینگونه بود،

ولی متأسفانه دشمنان اسلام با القاء تعصیبات باطل و اختلافات نژادی و مادی، بین آنان تفرقه انداخته و آنان را متلاشی کردند و آتش جنگ و فتنه را بینشان برافروخته و ایادی خبیث و سرسپردگان ستمگر خود را - که از سوی علمای درباری هم پشتیبانی می شدند - بر سر آنان مسلط کردند، و بدین وسیله بر کشورها و فرهنگ و ذخایر مسلمانان چنگ افکندند. پس وامصیبتا! بر اسلام و مسلمین از این دو شجره خبیثه [فرمانروایان ستمگر و دانشمندان تزویرگر] خداوند مسلمانان را از شر آندو محفوظ نگهدارد بحق محمد و آله الطاهرین.

اکنون باید مسلمانان درس عبرت بگیرند و از خواب غفلت عمیق خود بیدار شوند و متوجه باشند که دشمن اسرائیلی فرزندان خویش را از اطراف عالم به نام دین و زیر پرچم دین جمع آوری کرده بدون اینکه اختلاف در زبان و رنگ و وطن بین آنان فاصله ایجاد کند، و با همه اینها یک نیرو و قدرتی علیه اسلام و مسلمانان تشکیل داده، و این درشرایطی است که مسلمانان با همه زیادی تعداد و

(۱) ر، ک، کافی ۳۳۹/۵-۳۴۷، کتاب نکاح، باب ان المؤمن کفو المؤمنة.

گسترده‌گی کشورها و ذخائر بیشمار خود، دچار خفت و ذلت شده و به مسائلی نظیر: ناسیونالیسم عربی و فارسی و ترکی خود را سرگرم کرده اند و بدین شکل تاکنون در برابر اسرائیل غاصب متجاوز شکست خورده اند. و این است نتیجه افتراق و آن است ثمرهٔ اتفاق.

بر این اساس بر حکومت اسلامی و امت مسلمان فرض است که نقطه نظر و امکانات خود را به منطقه خاص و مجتمع مخصوصی محصور نکنند، بلکه همه مسلمانان در همهٔ کشورهای اسلامی - از دور تا نزدیک - را در نظر داشته باشند و به اندازه توانایی در تعلیم و تربیت و گسترش فرهنگ و دفاع از آنان بکوشند، و تلاش کنند تا بین آنان وحدت کلمه برقرار کنند و فقر و استضعاف و ظلم را از آنان برطرف نمایند و شر دشمنان خارجی و داخلی را از آنان و از کشورهایشان دور نگه دارند، و روشن است که آنچه در توان است به بهانه چیزی که در توان نیست رها نمی گردد [المیسور لایترک بالمعسور] و اگر نمی شود همه را به دست آورد، همه را نیز نباید از دست داد [مالایدرک کله لایترک کله] و این یک مطلب عقلی و شرعی است که در سیاست اسلامی باید همواره به آن توجه نمود.

### جهت ششم:

#### نهی از پذیرش حاکمیت کفار و همراه گرفتن آنان

اسلام همواره بر استقلال و سربلندی و عزت مسلمانان تاکید ورزیده و مجاز ندانسته است کفار بر سر مسلمانان مسلط بوده و آنان را به بند بکشند، یا بگونه ای در حاکمیت آنان نفوذ داشته باشند.

و شاید در قرآن کریم پس از مسئله جهاد بر مسئله سیاسی دیگری نظیر این مسئله مهم - که اساس سیاست خارجی اسلام است - تاکید نشده باشد.

زیرا کفر ملت واحده است که با همه وجود با اسلام دشمنی می ورزد و

کافران همه، دشمنان مسلمانان هستند و هدف دشمن ابراز دشمنی و ضربه زدن به دشمن خویش است به صورت آشکار یا پنهان و لو در زیر پوشش تظاهر به دوستی و دلسوزی و آبادانی و حقوق بشر و...! چنانچه مسلمانان در قرون اخیر به آن گرفتار آمده اند.

خداوند متعال در آیات متعدد ما را از این کینه و عداوت کفار آگاه نموده است آنجا که می فرماید:

۱- مایود الذین کفروا من اهل الکتاب ولا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ریکم<sup>(۱)</sup> نه کفار اهل کتاب و نه مشرکان دوست ندارند که خیری از سوی خدایتان به شما برسد.

۲- ان تمسکم حسنة تسوهم و ان تصبکم سیئة یفرحوا بها، و ان تصبروا و تتقوا لایضركم کیدهم شیئا ان الله بما یعملون محیط<sup>(۲)</sup> اگر به شما نیکی رسد ناخرسند می شوند و اگر به شما بدی رسد شادمان می گردند، ولی اگر شکیبائی کنید و پروا پیشه کنید مگر آنان بشما زبانی نمی رسانند، همانا خداوند بدانچه انجام می دهند احاطه دارد.

۳- و د کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا، حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبین لهم الحق<sup>(۳)</sup> اهل کتاب بسیار دوست می دارند که ایکاش شمارا پس از ایمان، به کفر باز می گردانند بخاطر حسدی که در دلهای خود دارند با اینکه حق بر آنان روشن شده است.

۴- و در باره یهود می فرماید: فبما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذکرنا به و لاتزال تطلع علی خائنة منهم الا

(۱) بقره (۲) / ۱۰۵.

(۲) آل عمران (۳) / ۱۲۰.

(۳) بقره (۲) / ۱۰۹.

قلیلا منهم<sup>(۱)</sup> به سبب پیمان شکنی شان آنان را لعنت کردیم و دل‌هایشان را سخت ساختیم، کلمات را از جایگاه‌هایش به یکسو می‌افکنند (تحریف می‌کنند) و قسمتی از آنچه بدان پند داده می‌شدند را از یاد برده‌اند، و پیوسته شاهد خیانتی از آنان هستی، مگر عده کمی از آنان.

۵- و در باره مشرکین می‌فرماید: کیف و ان یظهروا علیکم لایرغبوا منکم الا و لاذمة، یرضونکم بافواهمم و تأبی قلوبهم و اکثرهم فاسقون<sup>(۲)</sup> چگونه است حال آنان که اگر بر شما چیره شوند هیچ عهد و خویشاوندی و هیچ تعهدی را رعایت نمی‌کنند بازبان خویش شما را خوشنود می‌کنند با اینکه دل‌هایشان از آن امتناع دارد و بیشترشان زشتکارند.

و آیات دیگری که در این زمینه وارد شده است.

و به همین جهت خداوند متعال بر امت اسلامی واجب نموده که همواره به کاملترین وسایل و تجهیزات دفاعی مسلح باشند و تا آنجا که در توان دارند برای ارباب و ارباب دشمنان انواع نیرو و سلاح را آماده کنند تا فکر حمله و تهاجم به کشورهای اسلامی در ذهن دشمنان خطور نکند، و در این ارتباط بین دشمنان شناخته شده و عناصر داخلی و خارجی دیگری که احتمال تجاوز و هجوم آنان می‌رود، فرقی گذاشته نشده است، و در جاهای متعدد مسلمانان بر اتفاق مال برای تشکیل چنین قدرت و نیروئی تشویق شده‌اند که این آیه شریفه از آن نمونه است:

۶- و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم، الله یعلمهم. و ماتنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف

(۱) مائده (۵) / ۱۳.

(۲) توبه (۹) / ۸.

الیکم و انتم لاتظلمون<sup>(۱)</sup> آنچه در توان دارید از نیرو و از اسبان سواری برای مقابله با آنان آماده کنید، تا با آن دشمنان خدا و دشمنان خودتان و دیگرانی که جزء آنان هستند و شما نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد را بترسانید، و هر چیزی که در راه خدا انفاق می کنید بتمامی به شما بازمی گرداند و شما مورد ستم واقع نمی شوید.

همانگونه که در آیات دیگر از پذیرش ولایت کفار و همراه گرفتن آنان بگونه ای که به اسرار و مسائل داخلی و محرمانه مسلمانان آگاهی یابند، به شکل بسیار شدید نهی شده است، ملاحظه فرمائید:

۷- یاایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانۃ من دونکم، لایألونکم خبالا، و دوا ما عنتم، قد بدت البغضاء من افواههم و ماتخفی صدورهم اکبر، قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون. هانتم هولاء تحبونهم و لایحبونکم، و تؤمنون بالکتاب کله، و اذا لقوکم قالوا امنا و اذا خلوا عضووا علیکم الانامل من الغیظ، قل موتوا بفیظکم ان الله علیم بذات الصدور<sup>(۲)</sup> هان ای کسانی که ایمان آورده اید همراهی جز از خودتان نگیرید که آنان در تباهی اندیشه تان هیچ کوتاهی نکنند، آنچه شمارا به زحمت اندازد دوست می دارند، اینک کینه از دهانشان آشکار است و آنچه دلهایشان در بر دارد سهمگین تر است. اکنون آیات را بر شما روشن ساختیم اگر به خرد دریابید هانا این شما باید که آنان را دوست می دارید حال آنکه شمارا دوست نمی دارند و شما به همه کتاب ایمان آورده اید، و آنگاه که شمارا ملاقات می کنند گویند ما نیز ایمان آورده ایم و آنگاه که به خلوت روند علیه شما انگشت خویش از خشم به دندان می گزند. بگو: از خشمتان بپیرید، زیرا خدا به آنچه در سینه هاست داناست.

(۱) انفال (۸)/ ۶۰.

(۲) آل عمران (۳) / ۱۱۸ و ۱۱۹.